

یک اتفاق ساده

بنی اعتمادو مستندهایش

در ستایش عشق وامید



کیوان کثیریان

● نام مهلقا ملاح، مهناز آرن‌فرد، اسکندر فیروز، لیلی ارشد، سرور منشی‌زاده و مریم مرغشی را چندبار در عمرتان شنیده‌اید؟ اینها در زمره آدم‌های بزرگ و مؤثر این مرزوبوم‌اند. در این سرزمین هنوز هستند مردمانی که حتی در تلخ‌ترین و سخت‌ترین شرایط، به‌جای غرزدن، گلایه‌کردن یا عافیت‌اندیشی، غمخوارانه همت می‌کنند، آستین بالا می‌زنند و تمام تلاششان را می‌کنند تا باری، حتی کوچک، از دوش هم‌نوعانشان بردارند یا برای تغییر مثبت محیط اطرافشان تلاش کنند. عملکردایی عاشقانه، عشق به انسان فارغ از مذهب و نژاد، عشق به طبیعت، عشق به زنان و کودکان و سالمندان سرزمین مادری، کمک به هم‌نوعان بیمار و زمین‌خورده، فصل مشترک این آدم‌هاست. آنها معمولا امکان فراهم‌کردن زندگی بهتری را برای خود دارند ولی خود را وقف خدمت به این مملکت و آدم‌هایش کرده‌اند، بی‌هیچ‌گونه چشم‌داشتنی تمام هم‌وغمشان را به کار می‌گیرند تا با تمام مشکلات و موانع و محدودیت‌ها، ایران و جهان جای قابل‌تحملی برای زندگی شود. گاه بدون ادعا و نمایش و ریا آن‌قدر کارهای بزرگی می‌کنند که جز کارستان و شاهکار نامی نمی‌شود بر آن نهاد. اینها غیرت و احساسات و آدمیت آدم را بدجوری به چالش می‌کشند، رخان بنی‌اعتماد که بی‌تردید خود، یکی از همین انسان‌هاست، درباره چند نفر از آنان و فعالیت‌هایشان فیلم ساخته. افکار بلند و نگاه‌مدارانه او به مردم سرزمینش همواره ستودنی است. او آن‌قدر به وظیفه انسانی و نقش اجتماعی خود آگاه است که همواره بیش از آنکه صرفا یک فیلم‌ساز باشد، در قامت یک فعال اجتماعی اثرگذار ظاهر شده و الحق که موقع‌شناسی و نکته‌سنجی بی‌نظیری دارد. او در ۱۰ سال اخیر تنها یک فیلم بلند ساخته که همان را هم با حاشیه‌ها و جنجال‌های گوناگون مواجه کرده‌اند. اما بنی‌اعتماد هرگز در این سالیان دست روی دست نگذاشته و حالا که شرایط فیلم‌سازی در سینمای داستانی برایش فراهم نیست، تلاش کرده با ساخت مستند، اسناد مهمی از فعالیت آدم‌های اثرگذار و گمنام حوزه‌های مختلف را ثبت کند. مستندهای سال‌های اخیر بنی‌اعتماد از این منظر، تکان‌دهنده و باارزش است. مستندهای حیاط خلوت خانه خورشید، همه درختان من، فردا می‌بینمت الینا و یک ساعت از یک عمر، در ادامه مسیر فیلم‌سازی بنی‌اعتماد و در امتداد نگاه اصلاح‌گرایانه، غمخوارانه و به‌شدت امیدوارانه اوست. بنی‌اعتماد با ساخت این مستندها درباره فعالیت هرکدام از این فعالان اجتماعی، با شناساندن خدماتشان، گامی بلند در راه گسترش و نشر فرهنگ کمک به هم‌نوع و احترام به محیط زندگی برداشته است که شاید در حال‌حاضر قدر دانسته نشود ولی بی‌تردید این کار درخشان در تاریخ فرهنگ این سرزمین ثبت خواهد ماند. ای‌کاش مستندهای او در تیراژ بالا به نمایش درآیند و دیده شوند تا بتوانند آن‌گونه که لازم است در گستره وسیع، اثر بگذارند. حالا بنی‌اعتماد یک فیلم درخشان و تکان‌دهنده دیگر درباره یک انسان بزرگ و کار ارزشمندش ساخته است. «ای آدم‌ها» درباره «نخچیره امید» است. این دو نام را به خاطر بسیاری.

خبرسازان

مرکز تجسمی وعده پرداخت داد

بدهی جشنواره تجسمی فجر به شرکت‌کنندگان

● شرق: هشتمین جشنواره تجسمی فجر به دلیل تأمین‌نشدن بودجه، به شرکت‌کنندگان این دوره بدهی دارد که به گفته مدیر مرکز هنرهای تجسمی در هفته آینده معوقات پرداخت خواهد شد.
چند روز قبل خبری غیررسمی در برخی از شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، مبنی‌بر اینکه جشنواره تجسمی فجر به شرکت‌کنندگان بدهی ۲۰۰میلیون‌تومانی دارد. در این متن چنین آمده است: «دبیرخانه جشنواره تجسمی فجر هنوز به تعهداتش درباره حق فروش اثر شرکت‌کنندگان و همچنین تسویه آثار به فروش رفته عمل کند. مجموع مبلغ حق فروش اثر شرکت‌کنندگان و آثار فروش رفته جشنواره تجسمی فجر، بالغ بر ۲۰۰ میلیون تومان برآورد می‌شود». در بخش دیگری از این متن چنین عنوان شده است: «در مجموع ۴۰۵ اثر در هشتمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر به نمایش درآمد. بنابر مقررات جشنواره حق فروش اثر برای ورود هر اثر به نمایشگاه برابر با پنج میلیون ریال (۵۰۰هزار تومان) است. همچنین هشتمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی فجر برای اولین‌بار اقامد به فروش آثار به نمایش گذاشته‌شده کرد. با گذشت چهار ماه از برگزاری این رویداد مجموع مبلغ حق فروش اثر شرکت‌کنندگان و آثار فروش‌شده هنوز پرداخت نشده».
مجتبی آقایی، دبیر هشتمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر، درباره این موضوع به ایلتا گفت: «جشنواره فجر تنها از دوره هشتم، بلکه از دوره هفتم نیز مبلغی از تعهدات خود را پرداخت نکرده و اعتبار هزینه‌های جشنواره تأمین نشده است».

شرق: گفت‌وگوی علیرضا رئیسایا با فریدون جیرانی در برنامه اینترنتی «سی‌وینچ» واکنش محمدمهدی عسکریور، مدیرعامل پیشین سینما را در پی داشت. عسکریور که در این مصاحبه چند بار نامش برده شد، جوابیه‌ای تند و تیز در اختیار «سینما سینما» قرار داده که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:
به گمانم ایجاد تنش و دهمان به دهان گذاشتن با همراهان و حامیان مدیران سابق ارشاد بعد از اتفاق موسوم به بازگشایی خانه سینما امری نگویده و ملال‌آور محسوب می‌شود، پس با تکیه بر همین قاعده به استناد مصاحبه و گفتارم، تمام تلاشم بر ایجاد همدلی و دفن‌کردن کدورت‌ها بود. به‌نظرم ثمره تلخی سال‌های سخت ارتباط با دولت دهم، کسب تجارب گران‌قدری است که می‌تواند از قضا شیرین باشد، اما در این میان و درست در زمانی که مایل به سکوت و آرامش بودم، اظهارنظر اخیر شما چاره‌ای جز پاسخ‌گویی و یادآوری برخی نکات ناخوشایند برایم نگذاشت.

بعد از ماجراهای پیش‌آمده بین خانه سینما و وزارت ارشاد دولت دهم که اینک به برکت جهان ارتباطات و دیجیتال، همه به‌خوبی‌ای از آن آگاه‌اند و البته منجر به ایجاد شکاف‌های عمیق بین معدودی از سینماگران با هم‌صنفان خود شد و آن استادگی و پایمردی ستودنی قاطبه سینماگران برای حفظ خانه خود را رقم زد، پیش‌بینی می‌شد تا اندک همکارانی که با اعمال ناجوانمردانه و به‌دور از اخلاق خود که در حق بخش بزرگ‌تری از همکارانشان روا داشتند، برای پاک‌کردن گذشته‌ای که در آن به‌شدت بد عمل کرده و متهم‌اند، با تحریف تاریخ که ظاهرا آن هم جزء تخصص‌شان شده است، بکوشند تا با مظلوم‌نمایی، پیشینه رفتار صدفصفی و غیرقابل‌دفاعشان را وارونه جلوه دهند و البته در این مسیر پرسش‌های آقای جیرانی که احتمالا از سر کم‌اطلاعی بود نیز کمک شایانی به این امر کرده است.

در مصاحبه‌تان برای شخصی‌نشان‌دادن اختلافات پیش‌آمده و اینکه بفهمانید سابقه رابطه بنده و آقایان شمقدری و سجادیور خیلی خاص بوده، اشاره داشتید که بنده و این آقایان آن‌قدر در هم نزدیک بودیم که فرزندانمان ما را عمو خطاب می‌کردند، فکر کنم این از معدود مواردی است که بنده و آقایان شمقدری و سجاپور درآن اتفاق نظر داریم که فرزندانمان تا به حال همدیگر را ندیده‌اند و حتی بنده فرزندان ایشان و ایشان هم فرزندان من را از نزدیک ندیده‌اند، اما می‌دانم برای شما واژه «عمو» کارکرد نوستالژیک دارد و شاید به همین دلیل آن را در جای ناصوابش به کار بردید.

فرمودید در شبی که با آقای حسینی (وزیر ارشاد سابق) در دانشگاه پیام نور جلسه داشتیم، شما براساس منش خاصتان در پاسخ به درخواست طرف مقابل که همانا معرفی فردی برای تصدی پست معاونت سینمایی بود، گفتید که ما گزینه‌ای را معرفی نمی‌کنیم و این را در حالی گفتید که لاید بقیه چیز دیگری در سر داشتند، به گمانم عارضه‌ای باعث فراموشی‌تان شده که قبل از آن جلسه، نشستی با خانه سینما با حضور افرادی چون آقایان فرهاد توحیدی، امین تارخ، محسن هاشمی، مازیار میری و شما داشتیم و این تصمیم جمع و اصرار من بود، نه شما که از معرفی نامزد مشخص پرهیز کنیم.

اما موضوع نامه من به وزیر سابق ارشاد که شما و آقای شمقدری متقا آن را هتاکانه و شلیک تیر اول خوانده‌اید، پس از بازداشت پنج مستندساز و اعلام براندازبودن آنان (بیش از تشکیل دادگاه) از سوی وزیران سابق اطلاعات و ارشاد و در پی آن بیانیه هیات‌مدیره خانه سینما برای دفاع از حقوق این افراد و اظهارنظر تند و بی‌اساس وزیر سابق ارشاد در بخش خبری صداوسیما مبنی بر همکاری خانه

پاسخ عسگریور به رئیسایان:

روزهای تلخ دولت دهم از یادها نرفته



واکاوی دعوی عسگریور و رئیسایان از زبان «برزیده»

ناگفته‌ها بسیار است

شرق: حسن برزیده در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این پرسش که جنجال‌های اخیر بین محمدمهدی عسگریور و علیرضا رئیسایا را چطور ارزیابی می‌کند؟ گفت: جمله‌ای از امام (ره) نقل می‌کنم که فرمودند منافق از کفار هم بدتر است. نفاق اتفاق وحشتناکی است و بدترین چیزی است که در یک جماعت بروز پیدا می‌کند. متأسفانه برخی از آدم‌ها با به‌اصطلاح دودوزه‌بازی و اینکه سعی می‌کنند منافع هر دو طرف را حفظ کنند، دست به کارهای عجیبی می‌زنند. او ادامه داد: به‌ویژه آدم‌هایی که در به‌وجودآمدن برخی مسائل مشارکت داشته‌اند، هم مدعی هستند و هم مقصر و بدتر از آن اینکه دنبال مقصر نیز می‌گردند. زمانی که نفاق وجود دارد، باید روشن شود منافق کیست؟ حرکت آدمی که در اساسنامه خانه سینما دست می‌برد و به دیگران کم می‌دهد و داعیه چیزی را دارد که خودش در آن دست برده اتفاق عجیبی است. درحال‌حاضر جنگ قدرت شدت گرفته است و در شرایطی که تمیز حق از باطل سخت شده است، باید با دقت مسائل را رصد کرد. در این مسئله حق برای اکثریت اهالی سینما روشن است که چه کسی با نفاق شرایط نه چندان مطلوب، اما کمی باثبات سینما را برهم می‌زند. اما بخش دیگر هم به دولت فعلی برمی‌گردد؛ اینکه تصور می‌کردید به کمک سینما باید و برخی از مشکلات حل شود، اما متأسفانه درحال‌حاضر هر دو نگاه حق و باطل حمایت می‌شوند و اگر معاونت سینمایی و دولت نتوانند آنها را از یکدیگر تمیز بدهند و جریان باطل را حذف نکنند، مشکلات دیگری ایجاد خواهد شد که به نفع هیچ‌کس نیست. کارگردان فیلم سینمایی مزارشریف ادامه داد: تصور می‌کنم آقای رئیسای هنوز عصبانی است. بعد از ماجراهای کانون کارگردانان و اتفاقی که قانونی و بحق اتفاق افتاد، عصبانیت او ادامه دارد و آدم در عصبانیت تصمیمات اشتباهی می‌گیرد. اما اینکه اگر کسی با جریانی مخالف است و با همان جریان ساخت‌ویاخت می‌کند و به بهانه افشاکری به آن سمت برود و اطلاعاتی بدهد که غلط است و آتش را شعله‌ور کند به‌هیچ‌وجه جالب نیست. اینجا صحبت از منافع شخصی، جایگاه و منفعت است. آقای رئیسای بهتر است این ماجرا را هم نزنند و کوتاه باییند؛ چراکه طرف مقابل هم حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد.

سینما با شبکه بی‌بی‌سی بود. اتهامی بس عجیب و پرمسئله در آن روزها که بوی پرونده‌سازی گسترده برای همکارانتان را می‌داد و همه اینها در زمانی بود که شما احتمالا از بیم نمایش حضور خود در ویدئوکلیپی که در حمایت از یکی از نامزدهای ریاست‌جمهوری سال ۸۸ که از شبکه‌های ماهواره‌ای پخش می‌شد، تصور می‌کردید همکاری با وزارت ارشاد دولت دهم راهگشاست! تصدیق می‌فرمایید کار چه کسی سیاسی بود؛ من یا شما؟

در ادامه این جوابیه آمده است: در مسیر همکاری خیلی جدی‌تان هم که متفخر به دریافت حکمی از آقای شمقدری برای عضویت در کمیته ساماندهی صنوف که قرار بود به موازات خانه سینما و در پی حذف آن فعالیت کند، شدید. اگر در این مورد هم خاطر مبارکتان نیست (کم‌اینکه آقای جیرانی هم فراموش کرده بودند) این همان کمیته‌ای است که مسئولیت دریافت و پرداخت مبالغ بسیار زیاد به خانواده سینما و افراد متفرقه را داشت و در نهایت برای معدوم‌کردن اطلاعاتش، اعلام کردند کامپیوترهایش را دزدیدیند (یک بار هم گفتند در آتش سوزی سوخت)!

موارد ریز و درشت خلاف واقع از قبیل اینکه در دوره‌ای که سایه شما بر سر خانه سینما بود، مجامع عمومی با حداکثر اعضا برگزار می‌شد و بعدها نه و اینکه انکار مدیران خانه سینما همگی

حسن برزیده که خاطرات تلخی از روزهای تعاملاتان با آقایان سجادیور و شمقدری دارند، سخن بگویند. البته شما این بخش را درست متوجه شدید که خانه سینما برای ایستادن در مقابل بی‌منطقی و تمامیت‌خواهی مدیران وقت ارشاد باید یکدست می‌شد ولی این یکدست‌شدن، تا حدی با کنارگذاشتن کسانیی صورت می‌گرفت که به هر علتی فکر می‌کردند باید اطلاع‌رسانی دقیقی از فعالیت صنفی همکارانشان به مدیران وقت ارشاد داشته باشند.

عسگریور در بخش دیگری از این‌جوابیه آورده است: آنچه مایل نبودم علنی کنم اینکه آقای سجادیور در حضور من و جناب توحیدی ناخواسته از نقش جنابعالی در معرفی مسیر ورود معاونت سینمایی وقت (به نظر من) و دفتر حقوقی ارشاد (به نظر شما) به ماجرای انحلال خانه سینما پرده برداشت. به عبارتی راه ورود وزارت ارشاد برای تخریب خانه سینما می‌توانست از طریق اشکال‌تراشی بر اساسنامه‌ای باشد که اتفاقا شما در تنظیم آن نقش جدی و اساسی داشتید و این از نظر شما و آقای شمقدری شاه‌کلید ماجرا بود ولی آنچه روی آن اصلا حساب نکردید، اتحادی بود که در دل اهالی خانه سینما شکل گرفت و از آن پس سیاست یکی به نعل‌زدن و یکی به میخ روزگار و رفتار شما را شکل داد.

اما درخصوص قسم جلاله آقای شمقدری مبنی بر مایل‌نبودن ایشان به اعلام تعطیلی خانه سینما، تاریخ نشان داده گاهی در دوره‌های هیجانی، کسانی بنا بر وظیفه و منافع در کاری مشارکت می‌کنند که بعدها متوجه اعمال ناصوابشان می‌شوند، مثل فردی که با حکم تعطیلی خانه سینما آمده بود و بعد از دوستان خوب من شد یا مسئولان وقت دفتر حقوقی ارشاد که بعدتر رفتار مسئولان سینمایی را برایمان رمزگشایی کردند. شما به‌عنوان یکی از معدود کسانی که این ایام ذکر خبری از آقای شمقدری داشته، معلوم بفرمایید اگر ایشان مخالف تعطیلی خانه سینما بود و ایضا آقای وزیر ارشاد و دفتر حقوقی هم که شامل افراد بی‌ارتباط با سینما بود، پس نامه تعطیلی چگونه صادر شد؟ اینکه آقای احمدی‌نژاد مستقیم در جلسه می‌گوید بهانه را از دست اینان زیرمجموعه خودشان) بگیرید، یعنی چه؟ بد نیست از دوستان آقای شمقدری پرسیدم مطالب سراسردوع ارتباط خانه سینما با شبکه‌های خارجی را چه کسی در اختیار شورای فرهنگ عمومی گذاشت؟

آقای رئیسایان اگر رفتار و تصمیمات من در خانه سینما سیاسی بود، شما و همفکرانتان باید امتداد آن را در سابقه من روشن می‌ساختید و حتی پس از ماجرای بازگشایی خانه سینما که برخی از عزیزان، پیشنهاد نامزدی در مجلس را برایم داشتند، من باید از این امکان و فرصت بهره می‌بردم!

رجوع به عقل (نه حتی وجدان) امری است پسندیده، این چه فرد سیاسی است که نه سابقه فعالیت سیاسی دارد و پس از ماجرای خانه سینما هم در محدوده سیاسيون دیده نشده، من برخلاف شما که ترجیح دادید برای پاک‌کردن انتخاب گذشته‌تان به رفتارهای ناپسندیده در قبال همکاران صنفی‌تان دست بزنید. بزرگوار بود، در حد توانم در احقاق حقوق برخی از همکاران گرفتارم تلاش کنم. به‌نظرم منطقی آن است که به جای توهین به شعور بیش از دو هزار تن (که برخی از آنان از اساتید خود شما بودند) از همکاران سینمایی‌تان که در حمایت از مدیرعامل خانه سینما بیانیه صادر و لایذ از نظر شما سیاسی‌کاری کرده‌اند، کمی اخلاق‌مدارانه به استباهات خود نظر افکنید و عبرت بگیرید. هنوز تعداد بسیار زیادی از همکاران شما و من، خاطرات آن روزهای سخت دولت دهم را فراموش نکرده‌اند! امید که از سر لطف و شفقت از خطاها درگذرند. محمدمهدی عسگریور.

● شرق: مستند «سه فصل از بهارستان» ساخته شهرام درخشان ساعت ۱۸ در تالار شهناز به نمایش در می‌آید. این مستند، اشارتی است به مجلس شورای ملی ایران، مجلسی که چهار پادشاه به خود دید و حدود ۷۰ سال برقرار بود. دو سلطان از قجراان و دو شاه پهلوی در صحنش سوگند شاهی خوردند و هریک، چند سال کم‌وبیش ماندند و با تاریخ این سرزمین برگ‌ها افزودند و البته هیچ‌کدام را به آخر نبرده نوبت به دیگری واگذاشتند؛ بالاین‌حال آن در تمام این ۷۰ سال، هرچه کردند و هرچه نه کردند، مجلس را گاه در پیش‌رو و گاه در پشت سر داشتند. «سه فصل از بهارستان»، تاریخ سیاسی ایران و برخی ماجراهای پراهمیت آن را به ۷۰ سال عمر مجلس شورای ملی در سه بخش بازخوانی می‌کند. بخش اول: مردی که می‌خواست سلطان بماند. بخش دوم: مردی که نمی‌خواست سلطان باشد و بخش پایانی: مردی که نمی‌توانست سلطان بماند. سه عنوان برای سه فصل این مستند است که در هرکدام ماجراهای دوره‌هایی از تاریخ مجلس شورای ملی و رخدادهای سیاسی ایران بازخوانی خواهد شد. انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند ایران، بیش از ۱۳ سال است که به طور پیوسته هر سه‌شنبه در خانه هنرمندان ایران نمایش فیلم دارند. بسیاری از این آثار مستند تنها یک بار فرصت نمایش عمومی داشته‌اند و آن هم در همین خانه هنرمندان بوده است.

چهار روز



● پسرعموی جمیله بی‌نیاز که از گویندگان پیش‌کسوت رادیو است، درباره این هنرمند فقید به بیان سخنانی پرداخت، قاسم بی‌نیاز در گفت‌وگو با «ایسنا» درباره فوت دخترعموش - جمیله بی‌نیاز - که از گویندگان پیش‌کسوت رادیو محسوب می‌شد، گفت: متأسفانه پرداخت جامعه به خبر درگذشت ایشان اصلا مناسب نبود. جامعه آن‌طور که باید، نسبت به افرادی که اهل مطالعه هستند و اهل برگ نیستند، واکنش نشان نمی‌دهد. او ادامه داد: خانم بی‌نیاز از یک خانواده فرهیخته و والدینشان اهل ادبیات و تحصیل‌کرده بودند. جمیله بی‌نیاز در نوجوانی با حضور در برنامه مشاعره مرحوم مهدی سهیلی و کسب رتبه اول در این برنامه، زمینه ورود خود را به سازمان صداوسیما فراهم کرد. بی‌نیاز با بیان اینکه زنده‌یاد جمیله بی‌نیاز عمده اشعار گلستان سعدی را حفظ بود، درباره تحصیلات این هنرمند پیش‌کسوت یادآور شد: ایشان در سال ۵۴ در رشته زبان و ادبیات عرب وارد دانشگاه شدند و سپس به‌عنوان مترجم در صداوسیما به استخدام درآمدند. در سال ۷۵ آقای لاریجانی از ایشان برای گویندگی در برنامه «رادیوهای بیگانه» دعوت به عمل آورد. این برنامه که صبح جمعه پخش می‌شد، بسیار پرمخاطب بود و به همین خاطر اکثر مردم صدای مرحوم جمیله بی‌نیاز را با این برنامه شناختند. جمیله بی‌نیاز متولد اسفند ۱۳۲۶ دارای دو فرزند بود. این هنرمند فقید پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در رشته ادبیات عرب به‌عنوان مترجم زبان عربی، به صورت رایست به‌عنوان مترجم در سال ۱۳۵۳ در رادیو و تلویزیون فعالیت خود را آغاز کرد. او با شبکه‌های مختلف رادیویی فعالیت خود را ادامه داد و در برنامه‌هایی از قبیل «خانواده»، «دانش زبان»، «تمدن‌های فراموش‌شده»، «شاهنامه‌خوانی»، «برگ‌های بی‌خزان»، «به‌دنبال ققنوس» و «تمثیل‌المثل» به‌عنوان گوینده حضور داشت؛ این هنرمند پیش‌کسوت همچنین با تلویزیون نیز همکاری داشت که از جمله کارهای وی می‌توان به برنامه‌های «خلوت دل» و «میعاد شبانه» شبکه اول سیما، «گلزار عشق» شبکه چهار سیما و «نسیم شبانه» شبکه پنج اشاره کرد.

زیر آسمان فیروزهای

سه فصل از بهارستان» در خانه هنرمندان

● شرق: مستند «سه فصل از بهارستان» ساخته شهرام درخشان ساعت ۱۸ در تالار شهناز به نمایش در می‌آید. این مستند، اشارتی است به مجلس شورای ملی ایران، مجلسی که چهار پادشاه به خود دید و حدود ۷۰ سال برقرار بود. دو سلطان از قجراان و دو شاه پهلوی در صحنش سوگند شاهی خوردند و هریک، چند سال کم‌وبیش ماندند و با تاریخ این سرزمین برگ‌ها افزودند و البته هیچ‌کدام را به آخر نبرده نوبت به دیگری واگذاشتند؛ بالاین‌حال آن در تمام این ۷۰ سال، هرچه کردند و هرچه نه کردند، مجلس را گاه در پیش‌رو و گاه در پشت سر داشتند. «سه فصل از بهارستان»، تاریخ سیاسی ایران و برخی ماجراهای پراهمیت آن را به ۷۰ سال عمر مجلس شورای ملی در سه بخش بازخوانی می‌کند. بخش اول: مردی که می‌خواست سلطان بماند. بخش دوم: مردی که نمی‌خواست سلطان باشد و بخش پایانی: مردی که نمی‌توانست سلطان بماند. سه عنوان برای سه فصل این مستند است که در هرکدام ماجراهای دوره‌هایی از تاریخ مجلس شورای ملی و رخدادهای سیاسی ایران بازخوانی خواهد شد. انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند ایران، بیش از ۱۳ سال است که به طور پیوسته هر سه‌شنبه در خانه هنرمندان ایران نمایش فیلم دارند. بسیاری از این آثار مستند تنها یک بار فرصت نمایش عمومی داشته‌اند و آن هم در همین خانه هنرمندان بوده است.

کنسرت خیریه گروه «مشاق»

● شرق: گروه دفنوازی «مشقاق» به سرپرستی مهرداد کریم‌خاوری در بزم افطاری مرکز توان‌بخشی و حرفه‌آموزی «هادی و مهدی» روز سه‌شنبه اول تیر مصادف با نیمه رمضان می‌نوازند. در این برنامه که بنا به درخواست مرکز توان‌بخشی تعداد محدودی را برای اجرا می‌خواستند، به پیشنهاد کریم‌خاوری کل گروه «مشقاق» به اجرا می‌پردازد. گروه «مشقاق» که از سال ۷۶ تأسیس شده تاکنون برنامه‌های بسیاری را به عنوان خیریه اجرا کرده‌اند که مهرداد کریم‌خاوری، سرپرست گروه، ترجیح داده که مسکوت بماند، او اجراهای خیریه را زکات کارش می‌داند و در انجام چنین برنامه‌هایی همواره پیش‌قدم بوده است. این گروه که در ابتدا با ۱۰ نفر فعالیت خود را شروع کرده در تعدادی از اجراهایش با ۸۴ دفن‌واز هم به روی صحنه رفته است. دفن‌نوازان این گروه از شاگردان خاوری بوده‌اند که بنا به گفته کریم‌خاوری اکنون هرکدام برای خود استاد هستند. این اجرای خیریه قرار است با ۵۴ نوازنده در این مرکز به روی صحنه برود.

گفت‌وگو با افشین هاشمی

ملاقات با چخوف و «سیاه» تخت حوضی



نمی‌دانم. چون گمانم سال‌ها پیش نسخه کوتاه‌تری از این نمایش‌نامه به ارشاد ارائه شده و بعد از مدت‌ها معطلی مجوزی نگرفت. ولی احتمالا در آنجا منتشر خواهد شد و احتمالا در ایران هم در اختیار همگان قرار خواهد گرفت.

● **باخیر نیستید که بیضایی قصد بازگشت به ایران را دارد یا نه؟**
احتمالا اگر اینجا کار با پیشنهاد مشخص و مطمئنی داشته باشند، می‌آیند.

● **این روزها مشغول تمرینات «سه خواهر و دیگران» حمید امجد هم هستید. حضورتان در این نمایش چطور اتفاق افتاد؟**

از مدت‌ها پیش قرار داشتیم با این نمایش به صحنه برویم. همان زمان که کار آقای بیضایی داشت تمام می‌شد، با آقای امجد قرار نهایی را گذاشتیم که پس از برگشت از آمریکا تمرینات «سه خواهر و دیگران» را شروع کنیم که من برکتش و تمرینات و دورخوانی را از نیمه اردیبهشت شروع کردیم.

عسل عباسیان: افشین هاشمی، بازیگر شناخته‌شده تئاتر ایران که در سال‌های اخیر، بازیگری و کارگردانی در سینما را نیز تجربه کرده، اخیرا در «طرب‌نامه» بهرام بیضایی که در استنفورد آمریکا روی صحنه رفت حضور داشت و به‌زودی نیز با «سه خواهر و دیگران» حمید امجد در تالار اصلی تئاتر شهر روی صحنه می‌رود. با او درباره این دو تجربه، گفت‌وگوی کوتاهی کردیم.

● **نوروز امسال در استنفورد آمریکا در «طرب‌نامه» بهرام بیضایی بازی کردید. تجربه حضور در این اجرا چطور بود؟**

آقای بیضایی «طرب‌نامه» را با گروهشان در استنفورد، حدود ۹ ماه تمرین می‌کردند که بهشان پیوستم. نقشی در نمایش‌نامه بود که ابتدا آقای بیضایی آن را حذف کرده بودند، آن را برگرداندند و من بازی‌اش کردم؛ نقشی سrdسته مطرب‌ها که گروهش را به یک عروسی برده تا آنجا طرب بریا کنند. این نمایش، برگرفته از انواع شیوه‌های اجرایی نمایش‌های ایرانی است و آنجا با استقبال خیلی خوبی مواجه شد.

● **بیضایی سال‌هاست از ایران مهاجرت کرده و همه کمابیش از او بی‌خبرند. احوال بیضایی چطور است؟**

خیلی سرحال و سرخوش و سرزنده، نمایش‌هایی که سالیان سال آرزوی اجرایشان را داشتند به صحنه می‌برند.

● **قصد ندارند این نمایش را به ایران بیاورند؟**

به‌نظرم به‌صحنه‌آوردن «طرب‌نامه» در ایران نیاز به حمایت‌کننده‌ای دارد که بتواند ۴۰ بازیگر را به ایران بیاورد و پیش از آوردن اجرا، کارهای اجرایی‌اش را انجام دهد و مجوزهای لازم را بگیرد.

● **نمایش‌نامه «طرب‌نامه» هم قرار نیست این‌جا منتشر شود؟**